

Peter France
(past Masters)
Didarov

Oxford University Press, New York, 1983

پیت فرانس

موضوع: فلسفه و ادبیات
نویسنده: پیت فرانس
تاریخ انتشار: ۱۹۸۳
ناشر: آکسفورد یونیورسیتی پرس
صفحه ها: ۳۰۰
قیمت: ۱۰۰ دلار

France, Peter ۴ - 1983
Didarov, Peter ۱۰ - 1983
Didarov, Peter ۱۰ - 1983
Didarov, Peter ۱۰ - 1983
Didarov, Peter ۱۰ - 1983
Didarov, Peter ۱۰ - 1983
Didarov, Peter ۱۰ - 1983
Didarov, Peter ۱۰ - 1983
Didarov, Peter ۱۰ - 1983
Didarov, Peter ۱۰ - 1983

دیدرو

پیشگفتار

تذاکر دربارهٔ متنها و نشانه‌های اخلاقی

۱ آیا دیدرو استاد سخن است؟

۲ زندگی، خانواده، جامعه

۳ دیدرو نویسنده

۴ آزاداندیشی

۵ نظام طبیعت

۶ استیلا و قاعده - برادرزادهٔ رامو

۷ حقیقت و خیر و جمال

برای مطالعه بیشتر

ترجمه

احمد سمیعی (گیلانی)



www.iranbook.com



انتشارات نیلوفر

فهرست

پیشگفتار

- پیشگفتار..... ۷
- تذکار دربارهٔ متنها و نشانه‌های اختصاری..... ۹
- ۱ آیا دیدرو استاد سخن است؟..... ۱۱
- ۲ زندگی، خانواده، جامعه..... ۱۵
- ۳ دیدروی نویسنده..... ۳۱
- ۴ آزاداندیشی..... ۴۵
- ۵ نظام طبیعت..... ۶۹
- ۶ استثنا و قاعده - برادرزادهٔ رامو..... ۹۱
- ۷ حقیقت و خیر و جمال..... ۱۱۳
- برای مطالعهٔ بیشتر..... ۱۳۷

یاد کرده‌ام. سپاسهای ویژهٔ خود را به جان هوب میس John Hope Mason
جان رنویک John Renwick، میان ریچاردز Siân Reynolds و آنتونی استراکین
Antony Stragrell تقدیم می‌کنم که پیش‌نویس این کتاب را خوانده و
اظهار نظرهای خود با من کرده‌اند.

نذکار دربارهٔ پیشگفتارهای اختصاری

خوانندگان انگلیسی دیدرو را آنچنان که شایستهٔ اوست نمی‌شناسند. متأسفانه شمار اندکی از کتابهای او، به صورت ترجمه، به آسانی در دسترس است. در این رساله کوشیدم تا چیزی از پُرماجی و ارزش فکر و قلم او را نشان دهم، به این امید که خوانندگان بیشتری به آثارش روی آورند و شاید این کار نشر ترجمه‌های بیشتری از نوشته‌های او را مشوق گردد.

من، پانزده سال، به فواصل زمانی متفاوت، صرف خواندن و بررسی و ترجمهٔ آثار دیدرو و بحث در آنها کرده‌ام. لذا آراء من ناگزیر، از راههایی که نمی‌توانم مسیر آنها را تعیین کنم، از آراء دوستان و همکاران و دانشجویانم، که از همهٔ آنان سپاسگزارم، متأثر است. همچنین به محققان و منتقدانی که دربارهٔ دیدرو بسیار نوشته‌اند بسی مدیونم؛ برخی از آثار آنان را در فهرست «خواندنیهای دیگر» یاد کرده‌ام. سپاسهای ویژهٔ خود را به جان هوپ میسن John Hope Mason، جان رنویک John Renwick، سیان رینولدز Siân Reynolds و آنتونی استراگنل Antony Strugnell تقدیم می‌کنم که پیش‌نویس این کتاب را خوانده و با اظهار نظرهای خود یاریم کرده‌اند.

ادینبرو

پیتر فرانس

Contributions à l'Histoire des deux Indes (ed. G. Goggi)

اندیشه‌های گسترده: سخنان دربار تاریخ هند شرقی در قرن هجدهم

آیا دیدرو استاد سخن است؟

دنی دیدرو، که شاعر نبود، چند سالی پیش از مرگ، به نظم، از خود صورتی کشید که به این بیتها پایان می‌یابد:

روزی که بر سر قبر سنگی من
پالاس آتنه^۱، غرق در اشک،

به این کلمات حک شده بر سنگ اشاره می‌کند که

‘فرزانه مردی در اینجا آرمیده است’ بر او، بر مینروآی
نژند، مخندید

و نسنجیده به دروغش مدارید

یادِ گرمی مرا

با این کلمات ننگین مسازید که

‘دیوانه‌ای در اینجا آرمیده است’... آن را برای خود نگه دارید.

(A IX 57)

دیدرو، همچون بسیاری از ‘استادان سَلَف’ (از جمله دو استاد محبوب خود او، سقراط و موثینی^۳)، در نقش معلّم عامّه مردم آن چنان راحت نبود. وی، در

۱. در اساطیر یونان، ال‌هه اولمپی حکمت. ۲. همتای رومی آتنه.

۳. Montaigne، نویسنده شهیر فرانسوی (۱۵۳۳-۱۵۹۲) صاحب اثر معروفی به نام تَبَعَات

زمان حیات، نور دانش خویش را پنهان می‌داشت و شمار شاگردانش اندک بود. پس از آن نیز مریدان بسیاری نداشت. گوش ما با الفاظی چون «لترشناسان و هواداران روسو آشناست، لیکن دیدروشناسان و هواداران دیدرو نشینده‌ایم. این دو همعصر بزرگ او به روزگار خود ستارگانی بودند و مرگ آنان برای اروپا واقعه‌ای بود. آنان در همان آغاز راه از وی پیشی گرفتند و این سبقت را هرگز از دست ندادند. دیدرو، در نظر اغلب همعصرانش، بیشتر ویراستار دایرةالمعارف بود تا آنچه سپس برای ما شد، یعنی مصنف کتابهای عمده. بسیاری از بهترین آثار او تنها پس از مرگش منتشر شد و در این دو بیست سال اخیر، خوانندگان خوشبخت نوشته‌هایش اندک‌شمار بودند. او الهام‌بخش گوته و شیلر و نثرنویس محبوب مارکس بود (اگر صحت پرسش‌نامه‌ای داخلی متعلق به عصر ویکتوریا را قبول داشته باشیم)، لیکن کمتر، حتی در فرانسه، شهرت درباری یافت. این مرد شایسته آن است که بهتر شناخته شود.

با این وصف، آثار دیدرو، مستقیم و غیرمستقیم، مایه برانگیختگی نه تنها خوانندگانی از قرن نوزدهم چون کارلایل^۴ یا امیل فاگه^۵ بلکه همچنین انگیزه بررسی فیلم ژاک ریوت^۶ گردید که براساس یکی از رمانهای او به نام راهبه^۷ ساخته شد و نمایش آن در ۱۹۶۵ در فرانسه ممنوع گشت. کسانی دیگر نیز از او الهام گرفتند یا از آثار او برانگیخته شدند و او، حتی اگر بانی مکتبی نشده باشد، برداشتهایی متضاد پدید آورد که بهره‌همیشگی نویسندگان بزرگ پس از مرگ آنان است.

روشن‌ترین شیوه برداشت از دیدرو، از قرن هجدهم تا به امروز، همان سنت رادیکال بود. دیدرو، در نخستین نوبت چاپ آثارش، که به دست یکی از منکران

۴. Carlyle (تامس کارلایل، ۱۷۹۵-۱۸۵۱)، ادیب اسکاتلندی، صاحب اثر معروفی به نام درباره قهرمانان، قهرمان‌پرستی و نقش قهرمانی در تاریخ (۱۸۴۱) که در جهان عرب با عنوان أبطال شهرت یافته و بخش «زندگانی محمد(ص)» آن به فارسی ترجمه شده است.

۵. Émile Faguet، منتقد فرانسوی (۱۸۴۷-۱۹۱۶).

6. Jacques Rivette

7. La Religieuse

وجود خدا به نام زئون^۸ منتشر شد، فیلسوفی ویرانگر نظام موجود و، با اینهمه، محترم و دشمن متعقل خرافات و خودکامگی جلوه می‌کند. سومین چاپ نوشته‌های او در دوران جمهوری به همت آسزا^۹ و تورنو^{۱۰}، متضمن تصویری از نویسنده بود. شوق و علاقه وافر هگل و مارکس و انگلس به آثار دیدرو کمک کرد تا این آثار در متون مقدس سوسیالیستی جایگاهی بیابد. در قرن نوزدهم، برخی از نوشته‌های او به صورت پاورقی در روزنامه‌های جناح چپ انتشار یافت و، در زمانی نزدیکتر به روزگار ما، کتابهای او به کیفیتی نظرگیر در «مجموعه کلاسیکهای خلق» حزب کمونیست فرانسه پدیدار شد. در اتحاد شوروی نیز او را، همچون نیایی گرانقدر نیز همچون کسی که به روسیه آمده و دستنویسهایش هنوز در پایتخت کاترین کبیر (پترزبورگ) محفوظ است، پذیرا شده‌اند.

شیوه رادیکالی برداشت نسبت به دیدرو پرتوان بود لیکن حریفان چندی داشت. در نظر بعضی از رمانیکهای متأخر، وی یکی از نیروهای طبیعت و پیشاهنگ نظریه‌ای نو در زیباشناسی بود (وهست). لیبرالها از مشاهده او مانیم آزاداندیشانه او دلشاد بودند. وی را «اگزستانسیالیستی فرخ‌حال» نام نهادند. مفسران جدید، که نظر ادیبانه‌تری نسبت به او اختیار کردند، به طنزآمیختگی و بی‌انتظامی ظاهری و لحنهای چندگانه نوشته او جلب شدند که از نوعی نوگرایی خبر می‌دهد یا ادعای می‌شود که خبر می‌دهد. همه این برداشتها گشاده‌دلی و صدق باطن و میل دیدرو به تنوع و درگیری در محاضره را نمایان می‌سازد.

آنچه، برای سهولت امر و با تأکید بر پیام مبارزانه و تلون‌آمیز دیدرو، می‌توانیم آراء رادیکال و لیبرال او بخوانیم به گرایش مهمی در آثارش اشاره دارد که در این رساله به آن توجه هرچه بیشتری شده است. به صراحت یا به تلویح از من سؤال خواهد شد که در آثار دیدرو آنچه از همه مهمتر است آراء است یا طرز برخوردی ویژه و طور و نحوه‌ای از هستی و نویسندگی. من در آثار او به تأثیر